(تاریخ ارسال نسخه اول: 19/8/1399 )

**مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی**

**گروه نظرسنجی و افکارسنجی**

**بررسی برنامه‌های مرتبط با رفاه و تامین اجتماعی در انتخابات 2020 ایالات متحده امریکا**

**آبان 1399**

**انتخابات در سال کرونا:**

**شکست‌ها و افول نئولیبرالیسم**

**بررسی برنامه‌های مرتبط با حوزه رفاه و تامین اجتماعی در انتخابات 2020 امریکا**

**فهرست مطالب**

مقدمه..............................................................................................................................................................................................3

روند کلی مناظره‌ها و برنامه‌ها....................................................................................................................................................6

جامعه امریکا به روایت نظرسنجی‌ها..............................................................................................................................6

بیکاران، اشتغال و حداقل دستمزد.........................................................................................................................................9

بیمه‌های درمانی، تامین اجتماعی و نظام سلامت..............................................................................................................10

توزیع نابرابر درآمد و سیاست‌های مالیاتی.........................................................................................................................12

جمع‌بندی ..................................................................................................................................................................................13

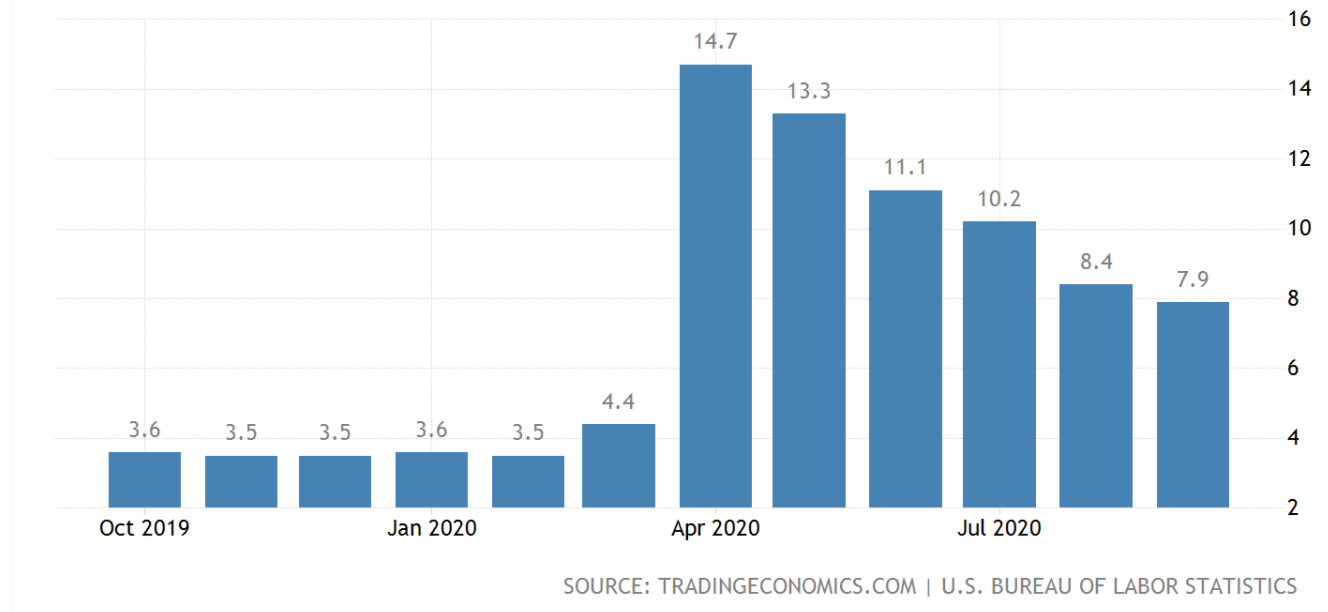
**مقدمه:‌**

**انتخابات امریکا در سایه بحران کرونا**

انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری امریکا از چند منظر متمایز از دوره‌های پیشین بود و مهم‌ترین وجه تمایز آن، بحران‌های چندگانه ناشی از همه‌گیری شیوع کرونا بود. بحران کرونا تصویر آرمانی ایالات متحده امریکا را که همواره توسط روایت غالب منتشر می‌شود، درهم‌شکسته است و ناتوانی در مهار همه‌گیری کرونا از یک‌سو و تعمیق بحران‌ اقتصادی از سوی دیگر تصویری واقعی‌تر از امریکا به دست داده است. از منظری کلی‌تر، بحران کنونی ایالات متحده را می‌توان بحران عام سرمایه‌داری دانست. زمانی که کرونا به صحنه آمد، با یک سرمایه‌داری جهانی مواجه شد که بر روی حباب بدهی عظیمی نشسته بود که بانک‌های مرکزی و سرمایه‌ مالی ایجاد کرده بودند.

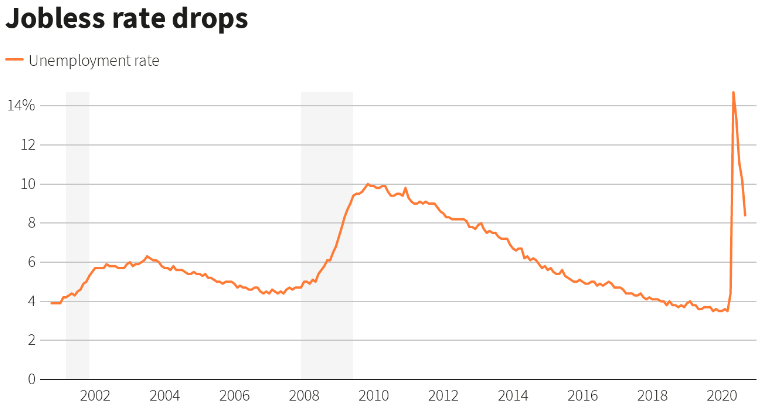
عمر چهارساله دولت ترامپ در حالی به اتمام رسید که بالاترین نرخ بیکاری پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا در این دوران ثبت شد. نرخ بیکاری آمریکا در پایان سپتامبر 7.9 درصد اعلام شد در حالی که انتظار می‌رفت به 8.2 درصد کاهش یابد. آمار پیشین نرخ بیکاری در ماه اوت 8.4 درصد بود. اگرچه این نرخ بیکاری نسبت به پیش‌بینی‌ها بسیار مثبت بوده است اما در تصویر کلی هنوز یکی از بالاترین آمار بیکاری در ماه‌های مشابه در دهه‌های گذشته محسوب می‌شود.

نمودار 1. نرخ بیکاری در امریکا در ماه‌های منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری



آخرین گزارش اشتغال ماهانه امریکا تا پیش از برگزاری انتخابات امریکا گواهی بر ناتوانی بزرگ‌ترین اقتصاد سرمایه‌داری در کنترل بحران بوده است. پیش از وقوع همه‌گیری کرونا، زمانی که نرخ بیکاری در پایین‌ترین سطح 3.5 درصد بود، ترامپ امید داشت که از این حربه به عنوان یکی از مهم‌ترین برگ‌های برنده خود در انتخابات استفاده کند. اما اکنون دونالد ترامپ رکورد بالاترین نرخ بیکاری قبل از انتخابات را، میان روسای جمهور‌ پس از جنگ جهانی دوم، از آن خود کرده است. با وجود کاهش نرخ بیکاری به زیر ۱۰ درصد، این رقم نسبت به نرخ بیکاری ۳.۵ درصدی پیش از شیوع کرونا هنوز بسیار زیاد است. در نمودار 2 می‌توان روند نرخ بیکاری را در دو دهه اخیر در امریکا مشاهده کرد.

نمودار 2. روند نرخ بیکاری در امریکا در دو دهه اخیر



نرخ بیکاری دوره ترامپ قبل از انتخابات دوره دوم در مقایسه با موقعیت مشابه باراک اوباما در سال 2012، تنها 0.1 درصد بالاتر است. نرخ بیکاری دوره اوباما قبل از انتخابات دوره دوم در نتیجه رکود بزرگ جهانی 7.8 درصد اعلام شده بود. اما هم اوباما و هم رونالد ریگان (با 7.3 درصد نرخ بیکاری در ماه سپتامبر قبل از انتخابات سال 1984) موفق شدند مجدداً انتخاب شوند.

دیگر بحران بزرگ امریکا در ماه‌های اخیر، ناکارآمدی واضح نظام سلامت و بهداشت عمومی بوده است. یانیس واروفاکیس، اقتصاددان یونانی، در نقد نظام سلامت در امریکا و به‌طور کلی سیستم سرمایه‌داری به طعنه می‌پرسد آیا توجه کرده‌اید که ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی خصوصی شبیه موش‌هایی‌اند که از کشتی در حال غرق شدن به بیرون می‌پرند؟ آیا چیزی در مورد سهم بیمارستان‌های خصوصی و مراقبت‌های بهداشتی خصوصی در این بحران پویای ناشی از کرونا شنیده‌اید؟ او پاسخ می‌دهد که نه چرا که آنها در عالم واقع جایی ندارند که دیده شوند. او صریحا می‌گوید که نظام سلامت خصوصی صرفاً ناکارآمد نیست، بلکه ویرانگر است و وقت آن رسیده است که ریشه‌ خدمات درمانی خصوصی را بخشکانیم (واروفاکیس، 2020).

كمبود زيرساخت‌هاي فيزيكي درماني و نيروهاي متخصص از مهم‌ترین کمبودهای نظام بهداشت عمومی امریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری بوده است. در بخش درمان، عدم‌توجه به ساخت بيمارستان‌ها و تخت‌هاي موردنياز كشورها نکته‌ای حایز اهميت بوده است. اينجاست كه مشاهده مي‌كنيم در جهان سرمايه، سيستم درمان نیز هم‌پاي ساير بخش‌هاي سرمايه‌داري به سمت قطب‌بندي‌هاي رقابتي اقتصادي و سود بيشتر كشانده مي‌شود.

ریچادر ولف، اقتصادان برجسته امریکایی، نظام سودمحور بهداشت امریکا را «مجتمع صنعتی-بهداشتی» نامیده که از چهار صنعت پزشکان، بیمارستان‌ها، سازندگان دارو و ابزارها و شرکت‌های بیمه سلامتی تشکیل شده است (ولف، 2020). او معتقد است که برای حل یک مسئله ویروسیِ جدی، تدارک لازم وجود نداشته است و سپس چند پرسش مهم مطرح می‌کند از جمله این‌که: آیا ناکامی‌ای به این عظمت ایدئولوژی و سیاست امریکا را به‌نفع اجتماعی‌کردن خدمات بهداشتی رهنمون خواهد کرد؟ آیا به‌موازات آن ناکامی جدی دولت امریکا، که مدت‌ها است در کنترل شرکت‌های بزرگ و دیگرانی است که در مجتمع‌های صنعتی-بهداشتی هستند، موجب محبوبیت سوسیالیسم در امریکا خواهد شد؟ یا این که جمعیتی که به‌شدت آسیب دیده‌اند، با این فاصله‌گیری اجتماعی به راست می‌چرخند و به‌عوض خواستار دیکتاتوری می‌شوند که آن‌ها را از این بحران مهارناشدنی نجات بدهد؟

ولف با اشاره به تاریخچه‌ ویروس‌ها، می‌گوید که تدارک نظام‌مند برای شیوع‌های بعدی ویروس‌های خطرناک یک نیاز آشکار اجتماعی بود. تدارک ابزارهای لازم برای آزمایش به‌اندازه کافی (درواقع میلیون‌ها واحد)، برای تشخیص و جداسازی آن‌هایی که آلوده می‌شوند از کسانی که آلوده نیستند، به‌شدت ضروری بود. تولیدکنندگان دستگاه‌های کمک‌تنفسی، ماسک‌ها، تخت‌های بیمارستانی، باید آن‌ها را انبار می‌کردند. برنامه‌های آموزشی باید آماده می‌بود تا بتوان به‌اندازه‌ی کافی داوطلبان را آموزش داد تا بتوانند در زمان شیوع بیماری مساعدت کنند. برای بستن راه‌های گسترش بیماری، باید برنامه‌ریزی‌های لازم برای فاصله‌گیری اجتماعی، و تهیه‌ امکانات لازم و ضروری، با مدیریت مؤثر، توزیع مواد موردنیاز انجام می‌گرفت. به همین نحو، برای مقابله با پی‌آمدهای فاصله‌گیری اجتماعی، بیکارکردن کارگران، تعطیلی شرکت‌ها، اختلال در زنجیره‌ عرضه، از دست رفتن قدرت خرید، و بازارهای فاجعه‌بار وام‌ها باید برنامه‌ریزی می‌شد. آن‌ها که بیکار می‌شوند را می‌توان دوباره به‌کار گرفت تا در مدیریت و اجرای فاصله‌گیری اجتماعی کمک کنند. با این همه هیچ‌گونه برنامه‌ریزی کافی انجام نگرفته است.

سرمایه‌داری امریکا در همه‌ این موارد شکست خورده است. صنایع سرمایه‌داری در خدمت به بهداشت عمومی موفق نبوده‌اند چراکه برای این‌که این کارها را انجام بدهند سودشان از این کارها کافی نبوده است. دولت هم مثل همیشه در جبران زیان‌های ناشی از عدم‌توفیق سرمایه‌داری بخش خصوصی ناموفق بوده است چون رهبران دولتی هم (که عمدتاً از رؤسای شرکت‌های بزرگ انتخاب می‌شوند) دارای همان شیوه‌ی تفکر هستند.

انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا در بستر شکست‌های درهم‌تنیده برگزار شد، شکست‌های برآمده از ایدئولوژی نئولیبرالیسم. تصویری که در سطور فوق به دست داده شد تنها گوشه‌ای از شکست بزرگ بزرگترین اقتصاد جهانی است.

**روند کلی مناظره‌ها و برنامه‌ها**

در مناظره‌های انتخاباتی، جو بایدن تمایل بیشتری به صحبت درخصوص مسائلی مانند بحران کرونا، محیط زیست، مهاجرت یا سیاست خارجی موثرتر داشت. عمده حملات مناظراتی بایدن به ترامپ از این چهار زاویه بوده است. اما ترامپ بخش بیشتری از انرژی خود را صرف مقوله‌هایی مانند کاهش مالیات‌ها، کاهش نرخ بیکاری و رونق در بازارهایی مانند سهام کرد و بیشتر از این زاویه به رقیب خود پاسخ می‌داد. اگر دسته‌بندی یادشده کنار گذاشته شود و به شکل جزیی‌تری به مسایل اقتصادی مانند نگرش درخصوص نقش دولت، مالیات و تامین اجتماعی نگاه کنیم، باید بگوییم که دو کاندیدای ریاست جمهوری در دو نقطه کاملا مقابل همدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر، درخصوص هر مقوله اقتصادی، دو نماینده دو دیدگاه متفاوت داشته‌اند که در این گزارش به این موضوع پرداخته شده است. منابع اصلی این گزارش، برنامه‌های اعلام شده توسط دو نامزد انتخابات در مناظره‌ها و سخنرانی‌هایشان بوده است و همچنین به نظرسنجی‌هایی که دغدغه‌های اصلی رای‌دهندگان را بررسی کرده‌اند نیز توجه شده است.

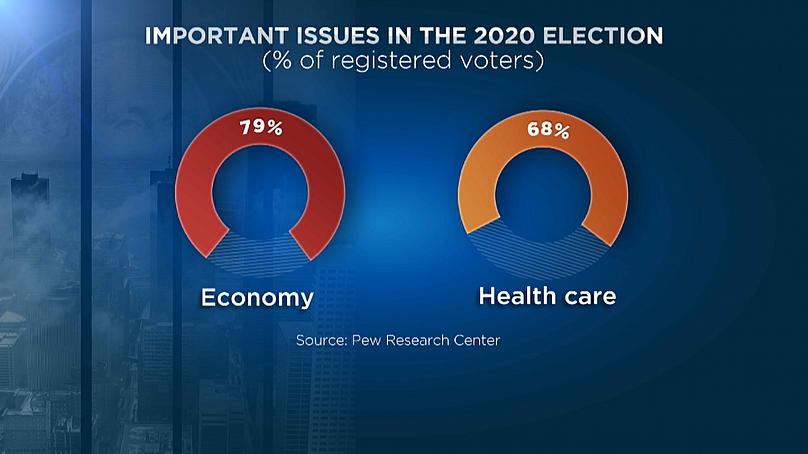
**جامعه امریکا به روایت نظرسنجی‌ها**

انتخابات امریکا در زیر سایه سنگین بحران کرونا برگزار شد در حالی که آینده اقتصادی امریکا (و البته دیگر اقتصادهای جهانی)، و همچنین آینده مبارزه با بیماری کرونا همچنان تیره و تار است. ترامپ و دولتش در مواجهه با فاجعه کرونا همه چیز را سرزنش کردند به جز سرمایه‌داری امریکا و برای مثال خطاب کردن بحران با نام «ویروس چینی» نمونه‌ای از موضع‌گیری علیه خارجی‌ها برای پوشاندن مسایل ذاتی سرمایه‌داری بوده است. پاتریک کوبرن، نویسنده و روزنامه‌نگار برجسته ایرلندی، می‌گوید «اهریمن‌سازی» از دیگران به‌عنوان راه گریز از نواقص خود، ویژگی اصلی تاکتیک‌های سیاسی ترامپ است. سناتورِ جمهوری‌خواه آرکانزا، تام کاتن، با گفتن این حرف که «چین این بلا را به جان دنیا انداخت و چین را باید مسئول آن دانست» به همان سبک از سیاست‌ورزی متوسل شد (کوبرن، 2020). کوبرن اما تاکید دارد که شکست امریکا به زمانی دورتر از شیوه‌ سیاست‌ورزی مسموم‌ ترامپ بازمی‌گردد: برتری امریکایی در جهان از زمان جنگ جهانی دوم در قابلیت منحصر به فردِ آن برای انجام کارها در عرصه‌ بین‌المللی با متقاعدسازی یا تهدید یا استفاده از زور ریشه دارد. اما ناتوانی واشنگتن در واکنش بسنده به همه‌گیری کرونا نشان می‌دهد که دیگر این‌گونه نیست و به این ذهنیت دامن می‌زند که توانمندی امریکا رو به اضمحلال است. ناتوانی دولت ترامپ در مواجهه با یک چنان بحرانِ بس مهیب و شکست در رهبریِ مسئولانه در قبال آن، برای مواضع امریکا در جهان به شدت مخرب بوده است.

در حالی که وضعیت ابتلا به کرونا و نرخ مرگ ناشی از آن در امریکا بسیار بالا است و این‌طور به نظر می‌رسید که مسئله کرونا مهم‌ترین دغدغه جامعه امریکا در انتخابات اخیر است، اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که اقتصاد مسئله اصلی جامعه امریکا بوده است.

بر اساس نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو، ۷۹ درصد از افرادی که نامشان در فهرست رای‌دهنده‌ها ثبت شده اقتصاد را مهمترین دغدغه خود در انتخابات ریاست جمهوری عنوان کرده‌اند. برای ۶۸ درصد رای دهنده‌ها نیز بهداشت و مراقبت‌های درمانی دومین دغدغه بزرگ بوده است.

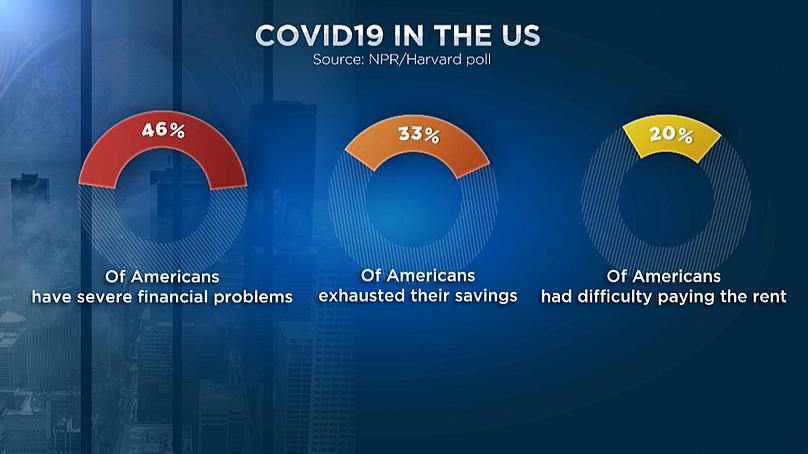
تصویر1. اقتصاد و مسایل درمانی مهم‌ترین دغدغه جامعه امریکا در آستانه انتخابات



این در حالی است که ترامپ بارها با تاکید بر دستاوردهای اقتصادی دولتش خواسته بود که مردم امریکا دوباره به او رای بدهند. او مسئله را انتخاب میان «کابوس سوسیالیستی» و «رویای امریکایی» دانسته و گفته بود که «تحت رهبری من، تا قبل از پایان سال واکسنی ایمن و موثر‌خواهیم داشت. ما به سرعت ویروس چینی را شکست می‌دهیم و به همه‌گیری پایان خواهیم داد؛ زنجیره‌های حیاتی تأمین را باز خواهیم گرداند و اقتصاد را دوباره به اوج خواهیم رساند».

رویای امریکایی مورد ادعای ترامپ، با نتایج یک نظرسنجی دیگر قابل محک زدن است. در روزهای پیش از برگزاری انتخابات نتایج نظرسنجی انی‌پی‌آر (رادیوی عمومی ملی آمریکا)/ هاروارد نشان می‌داد که ۴۶ درصد آمریکایی‌ها از مشکلات سخت مالی رنج می‌برند. نزدیک به ۳۳ درصد افراد شرکت کننده در این نظرسنجی گفته‌ بودند که دیگر پس‌اندازی ندارند. بر اساس نتایج این نظرسنجی، بیست درصد جامعه امریکا نیز در پرداخت اجاره مسکن مشکل داشته‌اند.

تصویر 2. مشکلات اقتصادی جامعه امریکا



خبرگزاری آلمان در گزارشی درباره وضعیت معیشتی بخش‌هایی از جامعه امریکا به این نکته اشاره کرده که درآمد بسیاری از شهروندان آمریکایی ناچیز است و بنابراین سطح زندگی هم به شکل شگفت‌انگیزی پایین. بسیاری از خانوارهای آمریکایی پس‌اندازی ندارند تا بتوانند مخارجی غیرمترقبه و اضافی مانند درمان کرونا را بپردازند. بنا به گزارشی که سال گذشته بانک مرکزی آمریکا منتشر کرد، حدود ۴۰ درصد مردم آمریکا از پرداخت هزینه‌ای بالای مخارج روزمره به میزان ۴۰۰ دلار (حدود ۳۵۰ یورو) ناتوان هستند. به عبارت دیگر تعمیر یک ماشین لباسشویی یا یک خودرو حساب مالی آنها را به هم می‌ریزد. اکنون که با گسترش ویروس کرونا جامعه با بیکاری گسترده روبرو شده، معلوم نیست میلیون‌ها آمریکایی که درآمد و پس‌اندازی ندارند چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد.

آن‌طور که تایمز نیز تاکید دارد، از نظر تاریخی، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری که هنوز بر سر کار هستند، بیشترین آسیب را از ضعف اقتصادی می‌خورند و شیوع بیماری کرونا بدترین فصل در تاریخ اقتصاد آمریکا را رقم زده است. هرچند یک بهبود سریع می‌توانست ورق را برگرداند اما در دولت ترامپ نه تنها بهبود سریعی در کار نبود، بلکه کمپین او فاقد برنامه‌ای مشخص و دقیق در مواجهه با مسایل اقتصادی جامعه امریکا و نیز کنترل کرونا بود. بخش زیادی از مردم  این کشور، از سیاست ترامپ در مورد بحران کرونا ابراز نارضایتی کرده‌اند. منتقدین بر این باورند که اگر ترامپ به موقع عمل می‌کرد، شمار قربانیان کرونا به چنین حدی نمی‌رسید.

**بیکاران، اشتغال و حداقل دستمزد**

فقط در ماه مارس و آوریل ۲۲ میلیون شغل از اقتصاد آمریکا حذف شد. دونالد ترامپ وعده داده بود که در طول ۱۰ ماه، ۱۰ میلیون شغل به اقتصاد آمریکا اضافه خواهد کرد؛ وعده‌ای که نه جزئیات آن مشخص بود و نه چارچوب زمانی دقیقی داشت. تحقق هدف ترامپ البته چالش‌های بزرگی در پیش‌رو دارد. آنتا مارکووسکا، اقتصاددان ارشد آمریکایی، در این باره گفته است تعطیلی دائمی برخی از کسب‌وکارها سبب حذف دائمی ۵/۵ میلیون شغل در بزرگ‌ترین اقتصاد جهان خواهد شد. او همچنین در این باره اضافه کرد که خلق مجدد این تعداد از مشاغل نیازمند فرم جدید در فضای کسب‌وکار یا حداقل توسعه چشمگیر در کسب‌وکارهای موجود است و این موضوع زمان زیادی را می‌طلبد.

در سوی دیگر، بایدن قول داده به منظور مقابله با تاثیر آنی بحران ویروس کرونا، «هر چقدر لازم است» برای دادن وام بیشتر به کسب و کارهای کوچک و افزایش پرداخت‌های مستقیم به خانواده‌ها هزینه کند. افزایش ۲۰۰ دلاری پرداخت‌های ماهانه تامین اجتماعی، لغو قانون کاهش مالیا‌‌ت‌ که در دوره ترامپ وضع شد و بخشش ۱۰ هزار دلار از وام‌ هر دانشجو، از جمله طرح‌های او است.

جو بایدن با سیاست‌های اقتصادی گسترده‌تر خود که «طرح دوباره بهتر بسازیم» نام گرفته، سعی در جلب رضایت دو دسته از رای‌دهندگان دارد که به طور سنتی از حزب دموکرات حمایت می‌کنند: جوان‌ها و کارگران یقه آبی.

او از افزایش حداقل دستمزد دولت فدرال به ۱۵ دلار در ساعت حمایت می‌کند، اقدامی که در بین جوانان محبوبیت یافته و به نوعی به نماد حزب دموکرات در سال ۲۰۲۰ تبدیل شده است. چنین حرکتی همچنین از گرایش این حزب به جناج چپ هم حکایت دارد. او علاوه بر این قصد دارد ۲ تریلیون دلار در انرژی پاک سرمایه‌گذاری کند، با این استدلال که تقویت صنایع پاک به ایجاد اشتغال برای کارگران کمک می‌کند.

او علاوه بر این وعده داده ۴۰۰ میلیارد دلار از بودجه دولت فدرال را برای خرید کالاهای ساخت آمریکا اختصاص دهد و قانون «خرید کالای آمریکایی» را به شکل گسترده‌‌تری در پروژه‌های جدید حمل و نقل به اجرا درآورد. بایدن در گذشته به دلیل حمایت از قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) مورد انتقاد بود. قراردادی که به اعتقاد منتقدان باعث خروج فرصت‌های شغلی از کشور می‌شد. بایدن در کارزار انتخاباتی ۲۰۲۰ این را وعده را هم داده که از دولت فدرال بخواهد ۳۰۰ میلیارد دلار بودجه به اجناس و خدمات آمریکایی و همین‌طور تحقیقات و فناوری در کشور اختصاص دهد.

هر دو نامزد انتخاباتی بخش انرژی را بخشی کلیدی برای تولید شغل می‌دانند، اما برای تحقق آن شیوه‌های مختلفی دارند. ترامپ اعلام کرده است فعالیت‌های بخش انرژی آمریکا را با سبک کردن قانون‌های مربوط به این بخش آزادتر از گذشته خواهد کرد. این برنامه در حقیقت ادامه برنامه‌های دور اول ترامپ است. ترامپ همچنین سعی کرده است بایدن را یک طرفدار افراطی محیط زیست نشان دهد که شغل‌های بخش انرژی و خودروسازی آمریکا را ویران خواهد کرد. بایدن اما معتقد است برنامه ۲ هزار میلیارد دلاری او برای پروژه انرژی پاک منجر به خلق حداقل ۱۰ میلیون شغل خواهد شد که بخشی از آن با تمرکز بر تولید ماشین‌های الکتریکی مربوط به صنعت خودرو است. نامزد حزب دموکرات همچنین ادعا کرده است که برخی از مشاغل موجود در بخش انرژی مانند کار در معادن زغال‌سنگ و نیروگاه‌های برق که بر سوخت فسیلی متکی هستند، از بین خواهد رفت و از همین رو متعهد شده است برای شاغلانی که در این حوزه‌ها از کار بیکار می‌شوند، برنامه‌های حمایتی مانند آموزش‌های نوین در نظر بگیرد.

**اهمیت بیمه‌های درمانی، تامین اجتماعی و نظام سلامت در انتخابات اخیر**

بخش بزرگی از جامعه آمریکا از بیمه درمانی محروم است. بنا به گزارشی که در نوامبر گذشته منتشر شد در سال ۲۰۱۸ حدود ۵/۲۷ میلیون آمریکایی بیمه درمانی نداشتند، یعنی حدود ۵/۸ درصد جامعه. اکنون میلیون‌ها نفری که با گسترش کرونا کار خود را از دست داده‌اند، به این جمعیت افزوده می‌شوند. بیکاری معضل جدی جامعه امریکا در بحران کرونا است و ضعف بیمه‌های اجتماعی به این بحران دامن می‌زند. در ایالات متحده اخراج کارکنان و کارگران امری عادی و بسیار آسان‌تر از کشورهای اروپایی مانند آلمان است. در بسیاری از مشاغل، چنانچه کارمند یا کارگر بیکار شود، از حقوق بیکاری یا درمانی خبری نیست. دولت توصیه کرده است که برای جلوگیری از گسترش همه‌گیری، افراد در صورت مشاهده کمترین علایم کرونا، در خانه بمانند؛ اما این کار برای میلیون‌ها نفر که با حقوق و دستمزد همان روز زندگی می‌کنند، غیرممکن است.

به‌ این‌ترتیب عده زیادی که بیمه درمانی ندارند، ترجیح می‌دهند به پزشک مراجعه نکنند و تست کرونا ندهند؛ زیرا باید هزینه آن را از جیب خالی خود بپردازند. دولت ترامپ وعده داده بود که هیچ‌کس به خاطر بی‌بضاعتی از درمان محروم نخواهد ماند، اما برنامه و تدبیر مشخصی ارائه نداده است. نظام بهداشت و سلامت در ایالات متحده سرشتی کاملا طبقاتی دارد. لایه‌های محروم و کم‌درآمد، از الزامات بهداشت و سلامت، مانند تغذیه خوب و استراحت و ورزش بهره چندانی ندارند. در آمریکا میلیون‌ها کودک از خانواده‌های محروم به برنامه غذاخوری در مدرسه وابسته هستند. بنا به گزارش‌ها برای بیش از ۶ میلیون دانش‌آموز صرف ناهار در مدرسه وعده غذایی اصلی محسوب می‌شود. واقعیت این است که بسیاری از مردم در امریکا با یک بیماری جدی همه‌ چیز خود را از دست می‌دهند و به طور کامل ورشکست می‌شوند (فانی‌یزدی، 2020).

در این میان می‌توان گفت که یکی از برگ‌های برنده دموکرات‌ها و طرفداران این حزب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا قانون بیمه سلامت و درمان بوده است. به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور بیمه و خدمات درمانی، بخش مهمی از جامعه فاقد هرگونه بیمه درمانی معتبر هستند و بخش بزرگ‌تری نیز از بیمه خصوصی خود رضایت کافی ندارند و آن را بسیار گران و ناکافی می‌دانند.

هزینه درمانی در ایالات متحده از بسیاری کشورهای دیگر بالاتر است. مراجعه به پزشک، بستری شدن در بیمارستان و تأمین دارو به قدری گران تمام می‌شود که تنها افراد ثروتمند از پس آن بر می‌آیند. اگر فردی بیمه نباشد و بخواهد هزینه درمان کرونا را خود بپردازد، بی‌تردید با عواقب مالی سنگینی روبرو خواهد شد. آمریکا از نظر تجهیزات درمانی نیز به شدت ضعیف است. درمانگاه و بیمارستان کم است و امکانات محدودی وجود دارد. به همین دلیل در ماه‌های گذشته، بسیاری از شهرها از جمله نیویورک به تأسیس بیمارستان‌های موقت روی آورده‌اند. خبرگزاری آلمان در گزارشی به این نکته اشاره کرده که مضحک و در عین حال غم‌انگیز است که در مهد قوی‌ترین قدرت اقتصادی جهان تجهیزات پزشکی مانند دستگاه تنفس اندک است و ماسک به اندازه کافی وجود ندارد، حتی برای کارکنان بیمارستان‌ها.

به‌طور کلی بایدن در همه زمینه‌ها باور به نقش فعال‌تری نسبت به ترامپ دارد. او درخصوص مراقبت‌های بهداشتی و تامین اجتماعی به نقش گسترده‌تر دولت و گسترش گستره حمایت دولت از جامعه باور دارد. بخشی از این گسترش در حیطه دامنه پوشش افراد است که قرار است اقشار بیشتری از جامعه را دربربگیرد و بخشی دیگر نیز افزایش مقدار حمایت دولت از افراد با درآمد پایین را شامل می‌شود. بایدن همچنین در حوزه مسکن نیز باور به مداخله فعالانه‌تر دارد. او معتقد است باید در سال‌های پیش رو مخارج دولت درخصوص تهیه مسکن برای اقشار ضعیف و ناتوان افزایش یابد.

در عرصه درمان عمومی و نظام سلامت، ترامپ از آغاز از مخالفان سرسخت بیمه خدمات درمانی اوباما به شمار می‌رفت در حالی که بایدن نظری کاملا خلاف او داشته است. بایدن در مناظره‌ها تاکید می‌کرد که می‌خواهد قانون بیمه خدمات درمانی اوباما را به همه تسری خواهم داد. هر کسی که برای این بیمه سزاوار شناخته شود، تحت پوشش قرار خواهند گرفت. می‌خواهیم هزینه بیمه و قیمت دارو را کاهش خواهیم داد. او البته به این نکته هم اشاره کرده که قصد ندارد بیمه خصوصی را لغو کند و حتی یک نفر تحت برنامه ما بیمه خصوصی را از دست نخواهند داد مگر آنکه خودشان بخواهند.

به این ترتیب می‌توان گفت یکی از موضوعات مهم و تاثیرگذار در انتخابات اخیر امریکا، تامین اجتماعی و بیمه‌های درمانی بوده است. نظرسنجی‌های این دوره از انتخابات امریکا نشان می‌دهد که تامین اجتماعی در دوره اخیر انتخابات اولویت بالاتری در مقایسه با انتخابات قبلی داشته است. معیارهای مشترک نظرسنجی‌ها در دو انتخابات ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ شش معیار «اقتصاد»، «تامین اجتماعی»، «نابرابری و نژادپرستی»، «محیط زیست»، «سیاست خارجی» و «مهاجرت» هستند. مقوله اقتصاد در هر دو دوره اولین اولویت رای دهندگان بوده اما اهمیت آن در انتخابات جاری بیشتر شده است. نظام سلامت و تامین اجتماعی اگرچه در انتخابات ۲۰۱۶ در رتبه چهارم مطالبات اجتماعی قرار داشت، در انتخابات جاری دومین مساله مهم شهروندان آمریکایی شده است. مساله نابرابری و نژادپرستی نیز اگرچه در انتخابات گذشته جزو اولویت‌های آخر بود، اما در سال جاری اهمیت بیشتری یافته است. در سوی مقابل سیاست خارجی، مبارزه با تروریسم و نگرانی‌های محیط زیستی به اولویت‌های به مراتب کم‌اهمیت‌تر تبدیل شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که در وضعیت فعلی جامعه امریکا بیشتر رفاه داخلی و مسائل اقتصادی را مطالبه می‌کند.

همچنین می‌توان گفت که حل‌و‌فصل مساله تامین اجتماعی بین حامیان جو بایدن طرفداران بیشتری دارد. براساس آخرین نظرسنجی‌ها، حدود ۹۵ درصد از حامیان بایدن گفته‌اند که نگرش نماینده مورد علاقه‌شان درخصوص تامین اجتماعی اهمیت ویژه دارد؛ این در حالی است که تنها ۶۳ درصد از حامیان ترامپ نگرش او در درخصوص تامین اجتماعی را عامل ویژه برای انتخاب خود اعلام کرده‌اند (فروغ‌فر، 1399).

**توزیع نابرابر درآمد و سیاست‌های مالیاتی**

نگاه دو کاندیدا درخصوص دخالت دولت را می‌توان از دو زاویه سیاست‌های مالیاتی و مخارج دولت مورد بررسی قرار داد. درخصوص مالیات‌ها، دو کاندیدا دو دیدگاه متضاد دارند. دونالد ترامپ به کاهش نرخ مالیات و اثر آن روی تحریک تولید و رشد اقتصادی باور دارد. سیاست‌های مالیاتی او که منجر به کاهش کم‌سابقه نرخ مالیات شد، یکی از مهم‌ترین شعارهای انتخاباتی‌اش در سال ۲۰۱۶ و انتخابات اخیر بوده است. ترامپ پیش‌بینی کرده بود با کاهش نرخ مالیات‌ها رشد اقتصادی به بیشتر از ۴ درصد افزایش می‌یابد. در نهایت اگرچه رشد اقتصادی در سال‌های اخیر افزایشی شد اما در محدوده زیر ۳ درصد ماند.

ترامپ گفته است قانون کاهش نرخ مالیات بر درآمد و شرکت‌ها را که قرار بود تا سال ۲۰۲۵ به پایان برسد دائمی می‌کند و البته جزئیات بیشتری نیز در این مورد ارائه نداده است. لری کودلو، مشاور اقتصادی، گفته است احتمال دارد نرخ مالیات بر درآمد طبقه متوسط آمریکایی از ۲۲ درصد به ۱۵ درصد کاهش پیدا کند. ترامپ طی دوره کرونا ارائه اظهارنامه مربوط به مالیات بر درآمد را از طریق یک فرمان اجرایی به تعویق انداخت و وعده داده است که کنگره را در صورت انتخاب مجدد متقاعد خواهد کرد تا این موضوع را دائمی کنند.

در طرف مقابل، بایدن به اثرات منفی این دیدگاه از جمله توزیع نابرابر درآمد اشاره کرده و سیاست‌های مالیاتی ترامپ را مورد نقد جدی قرار می‌دهد. نامزد دموکرات‌ها ۱۰ اکتبر ۲۰۲۰ در صحبت‌هایش در پنسیلوانیا گفته بود: «۹۱ شرکت از شرکت‌های فورچون ۵۰۰ (شرکت‌هایی برتر از لحاظ درآمدزایی) یک سنت هم مالیات نمی‌پردازند. می‌شنوید؟ مالیاتِ صفر. چه تعداد از شما مالیاتتان صفر است؟ میلیاردرها با نرخی پایین‌ مالیات می‌پردازند،‌ زیرا این همه پول سرمایه‌گذاری است،‌ نرخ مالیاتی آنها حتی پایین‌تر از شما است اگر مثلا شغلتان لوله‌کشی باشد».

مالیات ایالات متحده به عنوان موتور نابرابری توصیف شده است (ساز و زوکمن، 2019). بایدن وعده داده مالیات بر درآمد برای افرادی که درآمد بیشتر از ۴۰۰ هزار دلار دارند افزایش یابد و برای درآمد کم‌تر از این افزایش مالیاتی در کار نخواهد بود. بایدن می‌گوید شرکت‌ها و افراد برخوردار را ملزم به پرداخت عادلانه مالیات می‌کند و بر این اساس نرخ مالیات شرکت‌ها از ۲۱ درصد به ۲۸ درصد افزایش می‌دهد. بایدن همچنین تخفیف‌های مالیاتی مربوط به مالیات بر عایدی سرمایه و سود سهام را نیز حذف خواهد کرد. بر اساس مطالعات صورت گرفته و گزارشی که بلومبرگ منتشر کرده، برنامه مالیاتی بایدن، ۱/ ۰ درصد افرادی که بیشترین درآمد را در آمریکا دارند ( افرادی که اکنون به‌صورت سالانه درآمدی بیش از ۳/ ۳ میلیون دلار کسب می‌کنند)، مجبور به پرداخت مالیات بر درآمد با نرخ ۴۳ درصد خواهد کرد در حالی که طبق قانون مالیاتی ترامپ در سال ۲۰۱۷ این گروه از افراد مشمول پرداخت ۳۱ درصدی در مالیات بر درآمد بودند. در مورد خانوارهایی که در پایین هرم درآمدی قرار دارند البته نرخ مالیات در برنامه دو کاندیدا تفاوت چشمگیری ندارد.

بنابراین به طور کلی می‌توان گفت ترامپ و بایدن در حیطه سیاست‌های مالیاتی دو جامعه هدف مختلف را نشانه گرفته‌ بودند. ترامپ در تلاش بود نظر شرکت‌ها، صاحبان کسب‌و‌کار و نیز متقاضیان شغل را با کاهش مالیات‌ها جلب کند. بایدن اما روی طبقات متوسط و پایین جامعه تمرکز کرده تا به آنها نشان دهد سیاست کاهش مالیات ترامپ زمینه را برای افزایش فاصله طبقاتی فراهم کرده است.

**جمع‌بندی: رویکرد بایدن در حوزه رفاه و تامین اجتماعی**

زمانی که جو بایدن رسما نامزدی خود را در رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا اعلام کرد، گفت پای دو چیز خواهد ایستاد: کارگرانی که «آمریکا را ساختند» و ارزش‌هایی که می‌تواند گروه‌های مختلف را به هم نزدیک کند.

بایدن در کارزارهای انتخاباتی خود از ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای کارگران حرف زد و وعده داد مقررات‌ زیست‌ محیطی و حقوق مربوط به بهداشت و درمان را دوباره برقرار کند.

بایدن امروز اقتصادی را به ارث می‌برد که در نتیجه همه‌گیری کرونا آسیب‌های جدی دیده است، بالاترین نرخ بیکاری در چند دهه اخیر را دارد و بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در آن ورشکسته شده‌اند. از طرف دیگر هزینه های بالای بهداشتی و درمانی در امریکا و تاثیرات منفی آن روی اقتصاد هم معضلی بسیار مهم و جدی است. اینک جو بایدن باید با معضلات اقتصادی زیادی دست و پنجه نرم کند و به این سوال مهم پاسخ دهد که برای بازگشت به وضعیت قبل از همه گیری کرونا تا چه زمانی باید صبر کرد.

بایدن و حزب دموکرات در این انتخابات توجه بیشتری به نقش و اهمیت مداخله دولت، گسترش بیمه‌های درمانی و تامین اجتماعی و همچنین فاصله طبقاتی داشتند.

برنامه جو بایدن در زمینه بیمه سلامتی از طرح اوباما در این زمینه فراتر می‌رود بی‌آنکه خواستار برقراری بیمه سلامتی عمومی و همگانی باشد. او در این زمینه خواستار ایجاد یک ساختار بیمه سلامتی عمومی در کنار بیمه‌های خصوصی است تا افراد بتوانند در انتخاب آنها آزاد باشند. او برای خانواده‌هایی که از بیمه خصوصی استفاده خواهند کرد، اعتبار مالی ویژه‌ای در نظر گرفته است تا هیچ خانواری ناگزیر نباشد بیش از ٨۵ درصد درآمد خود را به بیمه سلامتی اختصاص دهد. او برای گسترش دسترسی افراد آسیب پذیر به خدمات بهداشتی و پزشکی، قصد دارد برخی از محدودیت‌های برقرار شده از سوی  ایالات متحده را از میان بردارد. جو بایدن می‌گوید طرح بیمه سلامت عمومی که وقتی معاون باراک اوباما بود به تصویب رسید را گسترش خواهد داد و طرحی را به اجرا در خواهد آورد که ۹۷ درصد از آمریکایی‌ها تحت پوشش بیمه قرار بگیرند.

بایدن وعده داده همه آمریکایی‌ها به نوعی بیمه سلامت عمومی شبیه به «مدیکر» دسترسی داشته باشند. مدیکر، بیمه درمانی دولتی برای سالمندان در آمریکا است و بایدن همچنین قول داده سنی که افراد می‌توانند تحت پوشش آن قرار بگیرند را از ۶۵ به ۶۰ کاهش دهد. کمیته موسوم به «بودجه مسئولانه فدرال»، که یک موسسه‌ غیر‌حزبی است، تخمین می‌زند طرح بایدن در مجموع ۲ تریلیون و ۲۵۰ میلیارد دلار ظرف بیش از ده سال هزینه داشته باشد.

از سوی دیگر، جو بایدن قصد دارد مالیات بر درآمد اقشار ثروتمند و شرکت‌ها را افزایش دهد. او وعده داده است که مالیات افرادی که کمتر از چهارصدهزار دلار در سال درآمد دارند، تغییری نکند. حداکثر نرخ مالیات برای افراد با اندکی افزایش از ٣٧ درصد به ٣٩٫۶ درصد خواهد رسید. درآمد حاصل از سرمایه گذاری افرادی که بیش از یک میلیون دلار در سال به دست می‌آورند، به میزان نرخ دستمزد آنان مشمول مالیات خواهد شد.

جو بایدن در برنامه خود پیش بینی کرده است که مالیات شرکت‌ها را نیز از سال ٢٠٢١ به بعد از ٢١ درصد به ٢٨ درصد افزایش دهد. نرخ مالیات شرکت‌ها، پیش از دورۀ دونالد ترامپ ٣۵ درصد بود. برنامه مالیاتی او قصد دارد شرکت‌هایی را که تولید را به خارج از خاک آمریکا منتقل کرده و محصولات خود را به بازار این کشور عرضه می‌کنند مورد مجازات قرار دهد و بالعکس به شرکت‌هانی که تولید را در آمریکا حفظ کرده‌اند اعتبار مالیاتی اعطا کند. بر اساس این برنامه، نیمی از ٤١٠٠ میلیارد مالیات اضافی حاصل از این تغییرات در دهه آینده، از شرکت‌ها بدست خواهد آمد.

جو بایدن همچنین گفته است که برآمدن طبقه متوسط در آمریکا مدیون مبازرات «سندیکاهای قوی» بوده و از همین رو او قصد دارد با وضع قانون، حضور سندیکاها را در پهنه کار گسترش دهد و واحدهایی را که در برابر آن مانع می‌تراشند مجازات کند.

او خواستار برقراری حداقل دستمزد به میزان ١۵ دلار در ساعت و افزایش خودکار آن بر اساس دستمزد میانه در سطح فدرال است. جو بایدن مایل است به اقتصاد «کارهای کوچک» با تدوین تعریف حقوقی «کارکنان مستقل» نظم بیشتری دهد و نیز بر تحرک نیروی کار با برداشتن برخی موانع مانند تعهد عدم رقابت که مانع حرکت نیروی کار از شرکتی به شرکت‌ِ مشابه می‌شود، بیفزاید.

نکته قابل ذکر دیگر درباره رویکرد بایدن، نگرش او به موضوع آموزش است. او بر چندین مورد از سیاست‌های بزرگ آموزشی که در درون حزب محبوبیت یافته مهر تایید زده است. بخشش بدهی وام دانشجویی، افزایش دانشگاه‌های مجانی و دسترسی به پیش‌دبستانی جهانی از جمله این سیاست‌ها هستند و بودجه‌شان از طریق لغو قانون کاهش مالیا‌ت‌ها که در دوره ترامپ به تصویب رسید، تامین خواهد شد. جو بایدن وعده داده منابع مالی بیشتری در اختیار مدارس مستقر در مناطق فقیرنشین بگذارد و به‌ویژه به افزایش حقوق کادر آموزشی در آنها کمک کند. وی همچنین اعلام کرده است که شمار بورس‌هاس تحصیلی دانشگاهی را در موسسات آموزش عالی دولتی را برای خانواده‌هایی که درآمد سالانه آنها از ١٢۵٠٠٠ دلار کمتر است، افزایش خواهد داد و بازمانده بدهی‌های تحصیلی به صندوق فدرال را برای دانشجویانی که به مدت ٢٠ سال وام دریافت شده را بازپرداخت کرده‌اند، خواهد بخشید.

با این همه، باید به این نکته هم اشاره کرد که اگرجه رویکرد بایدن در حوزه‌های رفاه اجتماعی، برنامه‌های مالی و بهداشتی رویکردی به مراتب مترقی‌تر از ترامپ است، اما این همه مسئله نیست. نظام رفاهی امریکا نظامی است مبتنی بر فردگرایی و سلطه بازار که در آن ارایه خدمات رفاهی ابتدا بر عهده بازار، سپس موسسات خیریه و خانواده‌هاست و نقش دولت در نظارت بر عملکرد بازار حداقلی است. در این نظام تعلق مزایای رفاهی تنها به اقشار نیازمند جامعه اختصاص دارد و پرداخت ناکافی مزایای خانواده به مادران و بودجه اجتماعی اندک و عدم اتخاذ ابزارهای متعادل‌کننده در سیاست اجتماعی دیده می‌شود (شیرعلی و شهبازی، 1398).

از این‌روست که منتقدان این ساختار بر ضرورت تغییرات ریشه‌ای‌تر تاکید دارند و معتقدند که در چارچوب انتخابات، «عوام‌فریبانی همچون ترامپ باید با میانه‌روهایی مانند حزب دموکرات رقابت کند که قصد دارند همان ساختارهای سلسله‌مراتبی را حفظ کنند، اما پیشنهاد می‌کنند که آن‌ها به‌طرزی خردمندانه‌تر و کارآمدتر به کار بسته شوند» (امیریان، 2020).

جودیت باتلر، فیلسوف و نظریه‌پرداز مشهور امریکایی، در مقاله‌ اخیرش در گاردین درباره انتخابات اخیر امریکا، جو بایدن و کاملا هریس را در نهایت میانه‌رو‌هایی می‌داند که پیشرفته‌ترین برنامه‌های مالی و بهداشتی برنی سندرز و الیزابت وارن را رد کردند. او با اشاره به خطراتی که ترامپ برای دموکراسی داشته می‌گوید «وقتی پای صندوق‌های رأی رفتیم، در هر صورت آن قدری که به امکانِ رأی‌دادن رأی دادیم و به این نهادِ دموکراسیِ انتخاباتیِ فعلی و آینده رأی دادیم، به جو بایدن/ کاملا هریس رأی ندادیم» (باتلر، 2020).

منابع:

* باتلر، جودیت (2020)، آخر بازی برای دونالد ترامپ، ترجمه‌ شیرین کریمی، نقد اقتصاد سیاسی.
* شیرعلی، ابراهیم و مهدی شهبازی (1398)، ارایه خدمات رفاهی به سالمندان در کشورهای منتخب و درس‌هایی برای ایران، فصلنامه تامین اجتماعی، شماره 53، پاییز 1398.
* فانی‌یزدی، رضا (2020)، نئولیبرالیسم و بهداشت و بیمه‌های درمانی در امریکا، سایت اخبارروز.
* فروغ‌فر، رسول (1399)، برنامه‌های اقتصادی دو نامزد، دنیای اقتصاد، شماره 5023، 12/8/1399.
* کوبرن، پاتریک (2020)، این‌بار شاید خبری از بهبود افول امریکا نباشد، ترجمه یوسف نوری‌زاده، سایت نقد اقتصاد سیاسی.
* واروفاکیس، یانیس (2020)،‌ تأثیرات سیاسی و اقتصادی کرونا، ترجمه‌ رسول قنبری و مریم مولائی، سایت نقد اقتصاد سیاسی.
* ولف، ریچارد (2020)، بحران ویروس کرونا و برنامه‌ای سوسیالیستی برای برون‌رفت از آن، ترجمه احمد سیف، سایت نقد اقتصاد سیاسی.
* مقاومت در سال طاعون، ترجمه نسترن امیریان، نقد اقتصاد سیاسی.

# - Saez, Emmanuel and Gabriel Zucman (2019), How to Tax Our Way Back to Justice, The New York Times.